

روایتی از حواشی و بازتاب‌های حضور بانوان ایرانی روی سکوهای ورزشگاه

یوسف اساری

بازی ایران و کامیوج اگر چه پرگل ترین برد تیم ملی در چند سال اخیر بود و نمی شد داشت، چند دقیقه از آن چشم برداشتی، توجه ها بیشتر از زمین بازی به سکوی تماشاگران بود. لازم به گفتن نیست و می دانید که بالاخره شاهزاده های فیفا و پیگیری این تیم در حضور غیر گزینی تماشاگران زن در بازی های ملی اتفاق افتاد. این حضور البته شاهزاده های بازی داشت؛ از نصب کفپوش و دوربین های زاید تا اختصاص تنه های دو سکو به بانوان و کلی لطیفه و شوخی که بعد از بازی در فضای مجازی منتشر شده اما این وسط در حاشیه مهم کمتر دیده شد که دربارۀ آن چند خطی می رایتان می نویسم.

شترسواری دولادای تلوویزیون

بازی شروع شد، گل ها یکی از دیگری زده شد در دروازه کامجوی می رفت. تلوویزیون هیچ تصویری از شادی زنان و سکوهای آن ها نشان نمی داد، مستندی سه ثانیه قبل از شروع بازی، شاره ای با حضور بانوان در ورزشگاه بکشد. انگار از بازیکنان هم خواسته شده بود بعد از گل زنی به سمت سکوهای بپرند و همان وسط زمین شادی کنند و ناگهان همه چیز از نیمه دوم به بعد عوض شد. همان روز که کرسفتم کلمب، کاف و آمریکا را کشف کرد، ناگهان مسئولان تلوویزیون هم سکوی بانوان را کشف کردند. از نیمه دوم به بعد تصاویر بزرگ حضور زنان در آزادی، پیش و زبان محمد حسین میثاقی هم باز شد. فشار فضایی مجازی، آکس ها و فیلم هایی که پشت سر هم از اردی در رسانه های اینترنتی منتشر می شد، تلوویزیون را که در کمال تعجب بانوان را بایکوت کرده بود، از ورز و رویه اش را تغییر داد. بعد از دختران ایرانی رفتن تا از آن ها برای حمایتشان شکر نکردن، عکاسانی که

در تمام طول بازی، نزدیک سکوی بانوان مانده بودند، این لحظه‌ها را ثبت کردند.

بازتاب جهانی

بازتابی عظیم علیه کمی که سعی می کند در ورزشگاه های مجازی حضور زنان را در ورزشگاه های مختلف ممنوع کند، می بینیم. موضوعاتی مثل تفکیک پارکینگ های ورزشگاه، کم بودن بلیت های ورزشی و حتی به بانوان، نبود بخشی برای حضور اعضای خانواده کنار هم، اینها را به عنوان بزرگترین مشکلات زنان در ورزشگاه ها می بینیم. به عنوان مثال، در ایران و دنیا به صورت یک طرفه، به زنان اجازه داده شده، روزنامه های تایم و گاردین در صفحه اینستاگرامشان، پست هایی را به حضور زنان ایرانی در ورزشگاه آزادی اختصاص دادند. فیفا و نماینده هایش هم در توییترشان، این حضور را یک تغییر مثبت در فوتبال زنان دانستند. اگر هم چهره های باادب و باهوشی را به حضور زنان در ورزشگاه

منفی به ماجرا نگاه کرده بود، کاربران فضای مجازی از خجالتش درامد بودند؛ سرگری لینکر، فعالیتش معروف شد. بریتانیایی‌ها و مجری مشهور بی‌بی‌سی که در تویترش نوشته بود: «دیدم ایران ۱۴۰۱ - کامیج و برده، کسی می‌تونه به زان ایرانی که اولین بار اجازه پیدا کردن دزد بازی رو ببینند، توضیح بده که میشه این قدر آسون نیست؟» کاربران رسانه‌های بریتانیایی بابت این توییت، لینکر را متهم به حسیت‌گرایی کردند و این قدر به او انتقاد کردند که مجبور شد توییتش را پاک کند.

در چند سال اخیر بانوان زیادی حضورشان در ورزشگاه‌های فوتبال را مطالبه کرده بودند، با این حال جای خالی سلبریتی‌ها و فعالان حقوق زنان در ورزشگاه توی ذوق می‌زد. در بین تماشاگران زن بازی ایران و کامبوج،

سارا و نیکای سرپال پایتخت یا دین مدنی، هنرپیشه تئاتر و تلویزیون، جزو معدود سلبریتی هایی بودند که برای تماشا بازی ایران به ورزشگاه آمدند. امیدوار دلیل این حضور کمربند، نایاب بودن بلیت بازی باشد. یک کاربر در اینستاگرامش نوشته بود که بلیت ورود به ورزشگاه را یک دختر نوجوان به او هدیه داده است و بلیت این هدیه و تجربه بی نظیری که کسب کرده، او را از دختر تشکر کرد. درکل، بلیت فروشی بازی ایران و کامبوج حرف و حدیث های زیادی داشت. برخی، حضور کمربند تماشاگران مرد را بر سکو به همین بلیت فروشی ربط داده و از ایرادهای سایت فروش بلیت نوشته بودند و به نظرشان، مسئولان برگزارکننده بازی هم بدشان نمی آمد آقایی حضور بر تعدادی در ورزشگاه نداشته باشند تا راحت تر بتوانند بازی را که حساسیت های جدی داشته است، مدیریت کنند.

اژه‌ای: فساد در کشور سیستماتیک نیست!
مردم: می‌دونیم؛ چون اگر بر مبنای سیستم بود،
بعضی وقت‌ها قطع می‌شد.

❗ تابناک- معاون صداوسیما، دامادش را مدیر شبکه «شما» کرد.

معاون صداوسیما: وقتی دیدم همیشه به جای «تو» می‌گه «شما»، فهمیدم تنها کسی که صلاحیت مدیریت شبکه «شما» روداره، خودش!

❗ جریمه ۶۰۰ میلیون تومانی یک شرکت هواپیمایی به خاطر گران فروشی

خیلی هم عالی! سودش رو شرکت هواپیمایی گرفته، جریمه اش رو دولت گرفته، پول هر دوتا شون رو هم که مردم دادند!

🚨 وزارت جهاد کشاورزی: ایران در تولید برنج، خودکفا شده است.

البته کاشتمون اندازه سال های قبل بود، فقط اون قدر گرونش کردیم که مردم نتونن بخرن و برنجهامونه!

! سازمان غذا و دارو: افزایش ۵۰ درصدی تولید دارو در کشور

بعد با خودمون گفتیم زشت نیست تولیدش
۵۰ درصد زیاد بشه، ولی قیمتش ۵۰ درصد زیاد
نشه؟!

– کله ونگ

ایمان فروزان نیا

ذی محمدی

خون، کیک، آب میوه!

دبیر کل سازمان انتقال خون خراسان رضوی گفت: به دلیل محدودیت مالی شدید، حتی یک واپس‌میه هم نمی‌توانیم به خون‌دهندگان بدهیم و به دنبال درست کردن شرکت هستیم! این خون‌بوختانده کسانیه خون می‌دهند، انسان‌های مهربانی هستند که اهداف «آرامش‌دوستانه» دارند، نه «کیک‌دوستانه» و «واپس‌میه‌دوستانه»، و اگر نه مشکل کمبود خون هم یک مشکل بزرگ می‌شد مثل مشکل بیکاری و تورم، باهم برمی‌آیند و واکنش‌ها به خبر حذف یک واپس‌میه امروزه برای برخی:

محتکران: ما که خون مردم رو تو شیشه می‌کنیم، گذشت به ملت کیک و واپس‌میه می‌دیم؟

غمور: همین قدر که از اهداکنندگان خون، عوارض خون‌خوار از بدشان گرفته نمی‌شود، لطف بزرگی است در خشان.

مدیرعامل یک شرکت کلبنی: برای اینکه به همه آب میوه
برسه، از تعداد کتبی که از مردم خون بگیرد و داخل همون
خون، آب با قاتی کنی؛ چون کسی که قراره بهش خون
تزریق بشه، اصلا خبر نداره که داخل خون، آب همه هست!
آب کاندیدی نامنندگی مجلس: یعنی ۱۰۰ سی-سی
خون مرده‌ی که به سبزی آبی گیری رسانی، ارزش
۱۰۰ سی-سی آب میوه رو نداره! اگه من می‌دادم بنمش، خون
می‌دم طرح «دادن ساندویچ و نوشابه به اهل کاندگان» رو!
روح صحن علنی مجلس پیشنهاد کنم!
یک آدم بی‌بیمه: فقط یک توبه توباک خون می‌خواستل
و یک آب میوه‌ها رو بالا کشیدن.
صداوسیما: خوب، می‌تفنین قبش ما به کم دربارہ مضرات
انکار سوزناپذیر آب میوه و کیک، برنامه می‌ستایم تا مردم
اما دیشب رو داشته باشن.

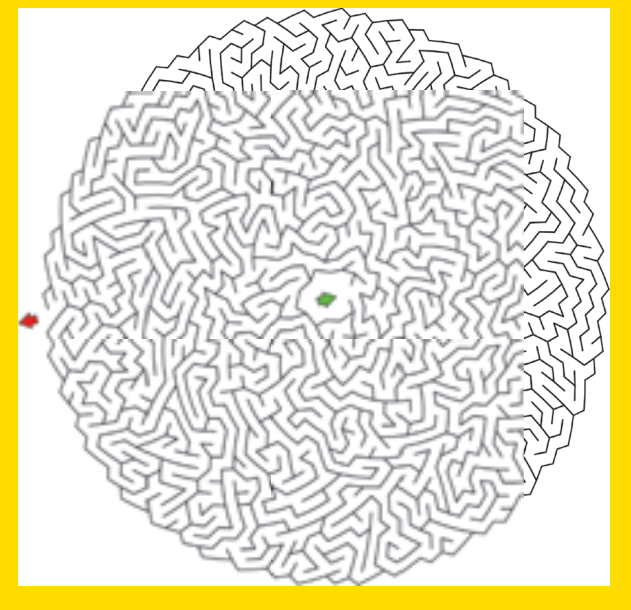
خط

گزارشی از کوبیدن کامبوج

محمدعلی محمدپور | همان‌طور که اطلاع دارید، تیم ملی فوتبال کشورمان موفق شد با نتیجه ۱۴ بر صفر، تیم ملی کامبوج را در هم بکوبد؛ البته درهم کوبیدن هم برای خودش محدودیتی دارد. آن‌ها تا می‌آمدند توپ را به جریان بیندازند، بازیکنان ما توپ را وارد دروازه‌شان می‌کردند و فکر کنیم کامبوجی‌ها بیشتر از اینکه با پا بازی کنند، با دست بازی کرده‌اند، چون گل‌شان راز بازی بیرون می‌کشید و می‌بردند وسط می‌کاشتنند و باز دوباره توپ کوبیده می‌شد توپ دروازه. جا داشت کامبوجی‌ها به بازیکنان ما بگویند: «هر بار این توپو محکم نکوب، نرو». به‌ر حال ایسن هم تجربه‌ای برای کامبوجی‌ها بود تا از آن درس بگیرند و بروند با «هوندا» مسیور شد فوتبال‌شان را در طر کند.

بچه‌های تیم ملی طوری تندتند گل می‌زدند که کمان‌های خبری از انتشار خبر گل‌ها، عقب‌مانده بودند. خود او هر بار برای ثبت گل‌ها دستش خسته شده بود. خوبی‌اش این بود که آماده‌ها به تیم ملی دعوت شده بودند و این گونه نبود که هر کس برود آن‌ور لزونر بشود، بدون بازی کردن، صبح تا شب مل و بدهد و مطمئن باشد حتما به تیم ملی دعوت می‌شود. نمایش هم بازی با یکتا در خاشان، بازی‌اش دیده نشده، به پناکی خوش داشت و خودش مهار کرد تا بدین وسیله خود خوش را در زمین اعلام کند. ضمناً پناکی‌زور کامیج هم می‌تواند را برآوردن گل را نکردم. خب، من یک‌می مثل رونالدو، چه می‌شه کرد، فوتباله دیگه». «برادران میلاد و مهرداد را هم داشتیم که ما ه‌ران فکر کردیم ممکن است تکنیک برادران تاجپانیات را که تون فوتبالست‌ها را اجرا کنند، که نکردن، خیلی می‌توانست آن‌اوت تاریخی خودش در جام جهانی را این‌بار موفقیت‌آمیز اجرا کند. که نکرد. در نشست خبری بعد از بازی، ویلموتس یک گفت و گویو معمولی با خبرنگاران کرد و نه به کسی القاب کرد و کدیمل را، بووالو انستد اوت نه یقه کسی را گرفت، حتی به هیچ مربی لیگ برتر هم توهین نکرد که بشود تیتیر خاصی ازش درآورد. کلا نشست خبری‌اش بر خلاف سرمربی قبلی تیم ملی، هیچان خاصی نداشت. در نهایت هم چیزی خوب و دلپذیر بود و امیدواریم در همین‌طور دلپذیر باقی بماند.

هزار تو



سودو کو یازلی

قوانین سودو کوی پازلی درست مثل سودو کوی معمولی است؛ با این تفاوت که جدول سودو کوی معمولی از ۹ مربع کوچک ساخته می شود ولی در سودو کوی پازلی این مربع ها به اشکال نامنظمی تغییر شکل داده اند. شاید ما بطوری اعداد یک تا ۹ را در جدول قرار دهیم که در هر ستون، ردیف و هر ناحیه (که با خطوط پررنگ مشخص شده است) اعداد تکراری قرار نگیرند.

ماره ۵۴

خ شماره ۵۴

باسم شماره ۵۲

۳	۴	۲	۱	۸
			۲	
	۱	۷	۶	
۴	۳			۶
				۹
			۸	۵
		۹		
۷	۸	۶	۳	۵

«همایون» دِگه ترکونده یره

توی کوچه‌ها یک نسیم رفته پی ولگردی، توی باغچه‌ها
پاپیاز اومده پی نامردی، توی آسمون ماه ره دق میده، ماه
ره دق مده دردی پی دردی؛ پاپیاز اومده پاپیاز اومده... چی؟
مرغ همسده از تخم افتاد؟ ببخشن یگ لحظه جوگیر
شدم فکر کردم موئیم همایون شجر یانم.

درسته که از قدیم گفتنِ پسر کوِ دِره نشون از باباش، تو بیگانه خواش بهش نگو بچه، ولی چقدر تو کار درستی داش همایون! نِمدنم شنیدنِ یانه که «همایون شجریان» به سریال «مست عشق» اضافه رفته و قراره اونجه آوازای فیلم ره بخوانه.

یعنی شما خودتان حساب کنید که این فیلم مست عشق، چه‌چیز بشه. موضوعش که طَیْلایی و دربارِه مولانا و شمس تبریزی، به‌یادگارشم که طَیْلان، شهاب حسینی و بارسا پیروزفر. حالانیم که گل بود، به سبزه نیز آراسته رفت و همایون شجریان هم زدن تنگش. جان دداش اگه موئیم و بُن و بخش طراحی لهجه فیلم ره به‌عهده بگیریم، اسکار نریم و طَیْلایی و خرس نقرای و چغک بلورین روی شاخ همی فیصله.

بعد شما بین توی همی گیروداری که همایون وخته
رفته تر کی به با عوامل فیلیم چیخ چیخ کنه و اشیاره، خبر
میره که الیوم مستقیم مخته بده بیرون. الیوم
مستشتر با صدای داش همایون و آقا علی رضا قربانی،
شما خودتا بخوان تا تهش ره کی یی بنه ای الیوم،
قدیم مگفتن دو پادشاه در یگ اقلیم نجنج ولی ببین
دو پادشاه خوانندگی توی یگ الیوم جارفتن. پس
الیوم دو الیوم پیشه. فقط یگ کم باید صبر بدن تا اباان
ماه که منتشر بشه.

مواز الان هشدار بدم که اگه یگ وقت توی فیلم مست عشق، همایون زد زیر آواز و مولانا به جای ای که مرید شمس برده، رفت مرید همایون شجریان شد و همه آلبوماشه خرید، تعجب نکن. از الان گفتم که دو روز دیگه داش حسن فتحی، شاکي نزه که اگه مدینستی، چرا نگفتی و واژ ما مشهدیاره به اخلاقا بد متهم نکنن.

جدول ۲۷۸۹

[illegible]

با هم بشنویم؛
 صدید چکر فستہ
 کی غوندرہ؟
 حسن چاوشی
 ترانہ اش از
 کیدہ؟
 مولانا
 ہنگش از کیدہ؟
 خودِ حسن
 چاوشی
 حسن و عاشق
 چیدہ؟
 عاشقانہ
 صدا عالی و
 شعر عالی تر

